

رویکرد ناتو در قبال افزایش نقش و نفوذ جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه

سیدحسین میرفخرائی^۱ - مصطفی خدائی^۲

دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۲۸ - پذیرش: ۱۳۹۸/۹/۱۱

چکیده

به دلیل رویکرد جمهوری اسلامی ایران در مقابل غرب و بویژه ایالات متحده آمریکا، ایران به عنوان بازیگری تهدیدساز شناخته شده و جایگاه مهمی در رویکرد امنیتی ناتو پیدا نموده است. نگرانی ناتو از گسترش نفوذ ایران در حوزه عربی که مصادیق آن را نفوذ در عراق، لبنان، سوریه، یمن و فلسطین اعلام می‌کنند، منجر به اتخاذ سیاست‌هایی از جمله گسترش ناتو به سوی اروپای شرقی، آسیای مرکزی و قفقاز و همکاری‌های نزدیک امنیتی، اطلاعاتی و اقتصادی با کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس شده است. این مقاله می‌کوشد تا با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی به این سؤال پاسخ گوید که رویکرد ناتو برای مقابله با نقش جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه چیست؟ یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که گسترش ناتو به شرق، ضمن داشتن تأثیرات منفی بر روابط ایران با اتحادیه اروپا، جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس؛ باعث فشار بیشتر غرب و در رأس آن ایالات متحده آمریکا به ایران خواهد گردید. ناتو با هدف کنترل استراتژیک ایران از طریق سیطره بر مسیر عبور انرژی و حمل و نقل و کنترل تحرکات قومی، سیاسی و ایدئولوژیکی سعی در کاهش نقش و نفوذ ایران در منطقه دارد.

واژگان کلیدی: مفهوم نوین راهبردی سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)، شورای همکاری خلیج فارس، ایدئولوژی، نقش منطقه‌ای ایران

۱. دانشیار روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول) For501520@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای دانشگاه علامه طباطبائی

مقدمه

سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)، بعد از جنگ سرد با ارائه تفسیری جدید از نقش و همچنین با تغییر ساختار خود و اتخاذ تدابیری از جمله پذیرش اعضای جدید، گسترش وظایف و ماموریت‌ها، ایجاد چارچوب‌هایی برای همکاری و مشارکت با کشورهای بلوک شرق و کشورهای واقع در جنوب مدیترانه و مداخله در بحران بالکان، نه تنها موفق به پشت سر گذاشتن بحران هویت ناشی از فروپاشی شوروی و انحلال پیمان ورشو شد، بلکه حوزه نفوذ و قدرت خویش را ارتقا بخشیده و توانست خود را به صورت سازمانی با کارکرد جهانی مطرح نماید. این سازمان با ارائه تعریف جدیدی از چالش‌ها و خطرات امنیتی، طیف وسیعی از موضوعات جهانی از جمله گسترش سلاح‌های کشتار جمعی و ابزار حمل آنها، اختلافات قومی و نژادی، جنایات سازمان‌یافته بین‌المللی، تروریسم، افراط‌گرایی اسلامی، قطع جریان منابع حیاتی (از جمله نفت و گاز) و مهاجرت‌های گروهی را به عنوان منابع جدید تهدید علیه منافع و امنیت اعضای خویش قرار داد و زمینه را برای ایفای نقش خود، نه تنها در دو سوی آتلانتیک، بلکه در هر منطقه‌ای در جهان که منافع اعضای آن اقتضا کند، فراهم کرده است. از سوی دیگر، از دید رهبران ایالات متحده آمریکا، یکی از کشورهای پیمانی که چالش‌گر اصلی سیاست‌ها و برنامه‌های راهبردی آمریکا در خاورمیانه می‌باشد، جمهوری اسلامی ایران است. از این رو، با استفاده از راهبردهای مختلف از جمله انعقاد قراردادهای امنیتی با کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس و ایجاد پایگاه‌های نظامی در آسیای مرکزی و قفقاز در صدد مقابله و به انزواکشاندن این کشور می‌باشد (برژینسکی، ۱۳۸۶: ۱۳۸). در رویکرد جدید ناتو، جمهوری اسلامی ایران به عنوان بازیگر تهدیدساز شناخته شده است.

سؤال اصلی که این است که رویکردهای ناتو برای مقابله و تحدید نفوذ ایران شامل چه محورهایی می‌شود؟ فرضیه این است که ناتو از طریق گسترش حوزه اقدامات خود به شرق اروپا و حضور در خاورمیانه، آسیای مرکزی و قفقاز و هم‌پیمانی با این کشورها سعی در مهار قدرت و نفوذ کشورهای رقیب از جمله ایران دارد. گسترش ناتو به خاورمیانه از طریق انعقاد قراردادهای همکاری نظامی، تبادل اطلاعات امنیتی و برقراری رزمایش‌های مشترک با کشورهای حاشیه خلیج فارس، امنیت ملی ایران را مورد تهدید قرار داده است.

چهارچوب نظری

یکی از مباحث مهم در روابط بین‌الملل، بحث درک و فهم چگونگی رفتار دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی است. این الگوهای رفتاری از دو حالت (تخاصم و تفاهم یا همکاری) خارج نیستند. دولت‌ها در عصر کنونی، در دستیابی بهتر به اهداف خود ناگزیر از ایجاد اتحاد و ائتلاف با دیگران هستند. تهدیداتی که دولت‌ها در عصر جهانی شدن با آن مواجه شده‌اند به گونه‌ای است که صرفاً با همکاری و اتحاد می‌توان آنها را برطرف ساخت. امروزه نه تنها دنیای هرج و مرج و آنارشیک از بین نرفته، بلکه پیچیده‌تر هم شده است.

نظریه اتحاد از جمله نظریه‌های رئالیستی روابط بین‌الملل است که به تشریح روابط میان دولت‌ها می‌پردازد. این نظریه در عصر جهانی شدن و ارتباطات که دولت‌ها ملزم به ایجاد ارتباط با یکدیگر به خصوص همسایگان خود هستند، بسیار راهگشا است. نظریه‌های اتحاد به این مسئله می‌پردازند که دولت‌ها در دستیابی بهتر به اهداف خود در عصر کنونی ناگزیر به اتحاد و ائتلاف با دیگران هستند بویژه دولت‌هایی که دغدغه‌های امنیتی - سیاسی و اقتصادی مشترکی داشته باشند. یکی از مسائلی که در مورد اتحاد قابل توجه است، رابطه اتحاد با جنگ است. هنوز بین نظریه پردازان روابط بین‌الملل در مورد این که آیا اتحادها به جنگ می‌انجامد یا به صلح، اختلاف نظر عمیقی وجود دارد. عده‌ای از دانشمندان به این نتیجه رسیده‌اند که اتحاد یک مرحله از جنگ است و نه این که سهمی در صلح داشته است. دولت‌های تشکیل دهنده اتحاد که در جنگ قبلی موفق بودند، احتمال جنگ را افزایش می‌دهند. همچنین هنگامی که کشورهای بزرگ وارد اتحاد می‌شوند، احتمال جنگ را بیشتر می‌کنند (Chiu, 2003: 125-126).

استفن والت اتحاد را این گونه تعریف می‌کند: یک اتحاد، آرایش رسمی یا غیررسمی برای همکاری‌های امنیتی بین دو یا چند دولت مستقل است (Walt, 1987: 12). از نظر والت اگرچه ترتیبات دقیق در هر اتحادی متفاوت از دیگری است اما اتحادها در کل تعهدی برای حمایت متقابل نظامی در مقابل برخی از بازیگران خارجی در بعضی از شرایط ویژه است. این مسئله هم تعهدات رسمی و هم تعهدات غیررسمی را در برمی‌گیرد. اتحادها نهادهای منحصر به فرد هستند. تعهد در آن به معنای پشتیبانی سایر اعضای اتحاد از یک عضو در مقابل دیگر

دولت‌های خارج از جامعه اتحاد است (Walt, 1997: 157-158).

نظریه موازنهٔ تهدید^۱ والت هم به بررسی علت شکل‌گیری اتحادها از زاویه‌ای دیگر می‌پردازد. این نظریه تشکیل اتحاد را پاسخی به تهدیدات خارجی می‌داند نه صرفاً افزایش قدرت یک کشور دیگر. اساس تشکیل اتحادها در سطح بین‌الملل، «توازن تهدید» است نه توازن قدرت. والت تهدیدات خارجی را وابسته به چهار متغیر می‌داند: ۱- نزدیکی جغرافیایی؛ ۲- توزیع امکانات؛ ۳- توانایی تهاجمی و ۴- درک نیت تجاوز (Walt, 1985: 9). برای شکل‌گیری یک اتحاد باید دو عامل اصلی یعنی تهدید مشترک و منافع مشترک وجود داشته باشد. بسیاری از اتحادها در جهان سوم به خاطر حفظ رژیم حاکم در مقابل مخالفان داخلی آنها هستند، یعنی اتحادهای خارجی الزاماً به‌عنوان پاسخی به افزایش تهدید از ناحیهٔ دیگری یا یک افزایش با قابلیت نسبی نیستند. از نظر والت، دولت‌ها معمولاً به منظور رسیدن به موازنه علیه تهدیدات بزرگ، نیروهای خود را ادغام می‌کنند. در صورتی که تغییرات مهمی در سطح تهدید علیه اعضای اتحاد صورت گیرد و اعضا حس کنند که تهدید کاهش یافته، این می‌تواند منجر به فروپاشی اتحاد گردد، زیرا اعضا نیاز کمتری به حمایت خارجی احساس خواهند کرد. این گرایش توضیح می‌دهد که چرا اتحادهایی که در زمان جنگ پیروز شده‌اند، منحل می‌شوند (Walt, 1997: 198-199). یکی از سؤالات در این زمینه این است که چرا اتحادهای تهاجمی شکننده‌تر از اتحادهای تدافعی‌اند؟ زیرا اتحادهای تهاجمی به منظور حمله به یک هدف خاص شکل می‌گیرند و بعد از شکست دشمن، انگیزهٔ اعضا برای مشارکت از بین می‌رود.

از نظر والت، ناتو از جمله اتحادهای مدونی است که بیش از یک ترکیب مکانیکی، دارای مستقل برای خود دارد و همچنین دارای نهادهای اجتماعی بوده که کانال‌ها و تداخلات گسترده‌ای بین دولت‌های عضو دارد. ناتو به‌شدت با روش تصمیم‌گیری درست و ماهرانه نهادینه شده و از حمایت گسترده بروکراتیک برخوردار است. این نوع اتحادها در نگرش‌ها و رفتارهای اعضا اعمال نفوذ می‌کنند و احتمال ماندگاری بیشتری دارند (Walt, 1997: 15). ناتو برنامهٔ گسترش به سوی شرق را پس از شکل‌دادن شورای همکاری آتلانتیک شمالی با برنامهٔ «مشارکت برای صلح»^۲ ادامه داد. این برنامه به کشورهای اروپای شرقی فرصت

1. Balance of Threat
2. Partnership for Peace

داد تا همکاری‌های خود را با ناتو شکل دهند اما مانع عضویت کوتاه‌مدت یا کامل آنها در ناتو بود (میرفخرایی، ۱۳۹۵: ۷۷-۶۸).

ناتو نه تنها توانست زمینه گسترش حوزه جغرافیایی خود را بازتر نماید، بلکه توانست با تصویب جمع‌بندی مصوبات نشست‌های گذشته در مفهوم نوین، استراتژیک خود را برای قرن بیست و یکم با عنوان «مشارکت فعال؛ دفاع مدرن»^۱ در لیسبون پرتغال در سال ۲۰۱۰، در عمل موجودیت ناتوی جهانی اعلام نماید (Hyde-Price, 2011: 46-51).

با تصویب طرح «ابتکار همکاری استانبول»^۲ توسط سران ناتو در ژوئن ۲۰۰۴، گسترش همکاری با کشورهای منطقه خاورمیانه بزرگ صورت گرفت. دو نکته در این نشست از اهمیت خاصی برخوردار است. نخست؛ سران ناتو موافقت کردند گفتگوی مدیترانه‌ای ناتو را تقویت کنند و آن را به یک مشارکت بی‌نظیر تبدیل کنند. دوم؛ سران ناتو موافقت کردند از کشورهای علاقه‌مند در خاورمیانه بزرگ و با شروع از کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس شامل کشورهای بحرین، کویت، قطر، عمان، عربستان سعودی و امارات متحده عربی برای الحاق به این ابتکار دعوت به عمل آید. نگاه مسلط در غرب به خصوص ایالات متحده آمریکا، علت اصلی کوشش ایران برای افزایش نقش خود، افزایش «قدرت نسبی»^۳ در خاورمیانه می‌داند و نیز سیاست‌های روسای جمهور آمریکا مانند جورج دبلیو بوش در منطقه و رفتارهای نامنسجم داند ترامپ، رئیس جمهور ایالات متحده، در قبال جمهوری اسلامی ایران را علت اصلی افزایش نقش منطقه‌ای ایران در نظر می‌گیرد. در نهایت، این نگاه؛ اهداف و راهبردهای ایران را تهاجمی، گسترش خواهانه، فرصت طلبانه و گاهی ایدئولوژیک می‌داند. از نظر برخی صاحب‌نظران، ریشه‌های افزایش نقش ایران به ویژگی‌های طبیعی ساخت قدرت، منابع تصمیم‌گیری سیاست خارجی، ایدئولوژی و جغرافیای فرهنگی ایران بازمی‌گردد و قبل از هر چیز سعی دارد چالش‌های امنیتی ناشی از بروز تحولات جدید سیاسی - امنیتی در منطقه را از بین ببرد. این تحولات شامل حضور نیروهای نظامی آمریکا در خاورمیانه و روند تغییر نظم منطقه می‌باشند.

1. Active Engagement, Modern Defence
2. Istanbul Cooperation Initiative (ICI)
3. Relative Power

دلایل گسترش و توسعه ناتو به شرق و خاورمیانه

الف- مقابله با روسیه

کشورهای اروپای شرقی و مرکزی در پی انحلال پیمان ورشو و بروز نوعی خلاء امنیتی در منطقه با نوعی احساس ناامنی مواجه شدند. این کشورها آینده غیرقابل پیش‌بینی روسیه را عامل چنین احساس ناامنی عنوان نموده‌اند. در چنین شرایطی قدرت‌های غربی در پی آن بوده‌اند تا از طریق گسترش ناتو، کشورهایی را که ممکن است در آینده به عضویت مجدد بلوک روسیه درآیند، بیش از پیش از مدار مسکو دور و ادغام آنها را در بلوک خود تضمین نمایند.

رفتار تهاجمی روسیه که در جنگ اوت ۲۰۰۸ با گرجستان به اوج خود رسید باعث شکل‌گیری این نگرش در میان اعضای اتحادیه اروپا شد که روسیه کشوری مشکل‌ساز است و باید سطح روابط و مشارکت را با این کشور به حداقل ممکن رساند. علاوه بر این، اتحادیه اروپا روابط خود را با همسایگان روسیه از جمله اوکراین، گرجستان و حتی دولت‌های آسیای مرکزی ارتقا بخشیده و روند همکاری دو طرف را در پاره‌ای موارد با اختلال مواجه ساخته است (Antonenko, 2010: 114).

ناتو با گسترش مأموریت‌های خود از جمله: مداخله نظامی به منظور مدیریت بحران‌های منطقه‌ای و بین‌المللی؛ اعمال فشار دسته جمعی؛ مداخله با هدف حمایت از دموکراسی و حقوق بشر؛ مشارکت در عملیات صلح‌سازی و صلح‌بانی در جریان منازعات داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی و ترتیبات مربوط به حل و فصل آنها؛ پیگیری دیپلماسی بازدارنده؛ نظارت بر اعمال تحریم‌های نظامی و محاصره اقتصادی علیه نیروهای متجاوز و کنترل و نظارت تسلیحاتی (منوری، ۱۳۸۴: ۸۶-۶۸) سعی در کنترل رقابت منطقه‌ای خود از جمله چین، روسیه و نیز ایران دارد. اقدامات ناتو در این زمینه متمرکز بر عضویت کشورهای بالکان غربی در این سازمان است. در این راستا عضویت مونته‌نگرو در ناتو در سال ۲۰۱۷ موجب نارضایتی شدید کرملین شده است. هدف مونته‌نگرو از این اقدام، عضویت در اتحادیه اروپا تا سال ۲۰۲۵ است. در نشست سران ناتو در سال ۲۰۱۸ در بروکسل نیز، آغاز روند عضویت مقدونیه مورد تصویب قرار گرفت.

راهبرد روسیه در قبال ناتو ثابت و پایدار نبوده و بر حسب شرایط، تحولات داخلی و وضعیت بین‌المللی تغییر کرده است. مطالعه روند روابط ناتو با روسیه بیانگر این مهم است که مسکو هرگاه خود را به‌طور مستقیم، طرف مذاکره با ناتو می‌بیند، رفتارش نسبت به زمانی که ناتو با کشورهای پیرامونی آن مذاکره می‌کند، متفاوت بوده است. به بیان دیگر، روسیه تمایل دارد روابط خود را با ناتو بدون محدودیت گسترش دهد، مشروط به آنکه ناتو به مناطق پیرامونی مسکو وارد نشود؛ به‌طوری که طبق دکترین‌های نظامی روسیه، استقرار نیروهای بیگانه در مجاورت مرزهای مسکو و گسترش بلوک‌های نظامی به مرز امنیت ملی آن، به‌منزله تهدیدات نظامی علیه این کشور تعیین شده است. با این همه روسیه در برابر گسترش ناتو واکنشی تندی نشان نداده، بلکه واکنش‌هایی در چارچوب دیپلماتیک داشته و در کنار آن برای به‌سازی روابط با غرب کوشیده است (میرفخرایی، ۱۳۹۵: ۱۹۸).

به‌دلیل وجود مؤلفه‌ها و زمینه‌های گوناگون و در برخی موارد متناقض، روابط روسیه و اتحادیه اروپا پیچیدگی روزافزونی یافته و تحلیل شرایط موجود و رویدادهای احتمالی را با دشواری‌هایی مواجه کرده است. وجود کشوری به نام ایالات متحده آمریکا باعث شده اتحادیه اروپا و روسیه در تقویت همکاری‌های خود در حوزه نظامی با احتیاط حرکت کنند. مقام‌های اتحادیه اروپا نیز مایل نیستند بهای مشارکت راهبردی آنها با روسیه، از دست دادن حمایت آمریکا و سازمان ناتو از آنها باشد (Danilov, 2010).

ب- تروریسم و تسلیحات کشتار جمعی

رویارویی با تروریست‌های بنیادگرا و جلوگیری از دستیابی آنها به جنگ‌افزارهای کشتار جمعی و احتمال استفاده آن از سوی تروریست‌ها، معضل دولت‌های فروپاشیده^۱ و امکان تبدیل آنها به مکان امنی برای تروریست‌ها، موادمخدر و تروریسم سایبری به‌عنوان تهدیدات نوینی هستند که جزء دغدغه‌های اصلی ناتو برای گسترش حضور و نفوذ در منطقه خلیج فارس می‌باشد و این منطبق با رویکردی است که در «سند نوین استراتژیک» ناتو، نخستین بار در سال ۱۹۹۱ منتشر شد و سپس نسخه تکمیل‌شده و بازبینی‌شده آن در سال ۱۹۹۹ در نشست سران ناتو در واشنگتن به تصویب رسید. بنابراین مبارزه با تروریسم و دیگر تهدیدات نوین،

چالش اصلی امنیت بین‌المللی بوده که بر این اساس ناتو از دیدگاه پیشگیری از بحران و مدیریت آن در صدد همکاری با کشورهای منطقه برآمده است.

در بیست و نهمین نشست سران کشورهای عضو ناتو که از چهارشنبه ۹۷/۴/۲۰ در بروکسل برگزار شد، رهبران کشورهای عضو ناتو در بیانیه پایانی روز نخست خود از تشدید فعالیت‌های موشکی ایران و فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده منطقه ابراز نگرانی نموده‌اند. در این بیانیه آمده است: «ما از تشدید آزمایش موشک‌های بالستیک ایران و فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده این کشور در سراسر منطقه خاورمیانه نگرانیم. ما از ایران می‌خواهیم که از تمام فعالیت‌هایی که با قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد و پیوست‌های آن مطابقت ندارد، خودداری کنند (افکارنیوز: ۹۷/۴/۲۱)».

پ- انگیزه‌های کشورهای حوزه خلیج فارس

به‌طور کلی ایجاد ترس از قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران توسط غربی‌ها، به هم خوردن موازنه قدرت در منطقه، بی‌ثباتی در عراق و تروریسم به عنوان تهدیدهای پیش روی این کشورها تلقی می‌شوند که به‌زعم آن‌ها با کمک و همکاری ناتو قابل کنترل می‌باشند. نشست امنیتی مشترک ناتو و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس که در ۱۲ دسامبر ۲۰۰۶ در کویت برگزار شد، در چارچوب روابط دو جانبه ناتو-کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس می‌باشد (سلطانزاده، ۱۳۸۶: ۲۶).

روابط ناتو و کشورهای عرب حوزه خلیج فارس طی سال‌های گذشته گسترش قابل توجهی یافته است. دیدارهای متقابل مقامات ارشد کشورهای مذکور و ناتو و برگزاری سمینارهای متعدد در منطقه و خارج از آن گویای این تحرک جدی و آشکار است. برخی از این تحولات را می‌توان مورد اشاره قرار داد:

- تصویب ابتکار همکاری استانبول در ژوئن ۲۰۰۴ و ورود کویت و سپس قطر، بحرین و امارات به این ابتکار در سال ۲۰۰۵؛
- برگزاری کنفرانس «ارتقای همکاری و تقویت مناسبات ناتو و خلیج فارس در چارچوب ابتکار همکاری استانبول» در دبی در سال ۲۰۰۵؛
- برگزاری کنفرانس «ناتو و کشورهای خلیج فارس: مقابله با چالش‌های مشترک از

طریق ابتکار همکاری استانبول» در کویت در دسامبر ۲۰۰۶ و امضای موافقت‌نامه تبادل اطلاعات امنیتی بین ناتو و کویت؛

• برگزاری کنفرانس «ناتو و شورای همکاری خلیج فارس: همکاری در چارچوب ابتکار همکاری استانبول» در ریاض عربستان در سال ۲۰۰۷؛

• برگزاری کنفرانس «روابط ناتو و بحرین و ابتکار همکاری استانبول» در منامه در سال ۲۰۰۸؛

• برگزاری کنفرانس «روابط ناتو و امارات: راه پیش‌رو در خصوص ابتکار همکاری استانبول در اکتبر ۲۰۰۹ و امضای موافقت‌نامه تبادل اطلاعات امنیتی بین ناتو و امارات (دولت یار، ۱۳۸۹: ۸)؛

• برگزاری نشست بروکسل میان مقامات ناتو و کویت در مورد تأسیس مرکزی نظامی در کویت در ۶ دسامبر ۲۰۱۱ (www.acus.org) و ...

امارات متحده عربی و قطر پیش از این خواستار مشارکت در مأموریت ناتو در افغانستان شده بودند که سران ناتو در نشست بروکسل با درخواست این دو کشور برای اعزام نیرو به افغانستان و مشارکت در مأموریت جنگی ناتو در افغانستان موافقت کردند.^۱

پیش از این نیز قطر درخواست عضویت در سازمان ناتو را نموده بود. «خالد بن محمد العطیه» وزیر دفاع قطر طی سخنانی از درخواست دوحه برای عضویت در ناتو سخن گفته است.^۲

به نظر می‌رسد ناتو امیدوار است از راه برگزاری چنین نشست‌هایی، همکاری امنیتی با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس گسترش یابد تا این کشورها قادر باشند با تقویت نیروهای نظامی خود از راه مشارکت در رزمایش‌ها و تمرین‌های نظامی مشترک با چالش‌ها و خطرات احتمالی رویارویی کنند.

ت - منابع انرژی منطقه خلیج فارس

مسئله امنیت انرژی یکی دیگر از مسائل مورد توجه ناتو است و موضوع «قطع جریان منابع

1. www.nato.int/12 July 2018

2. www.thetimes.co.uk/ June 7 2018

حیاتی» نیز از زمره تهدیدات پیش‌روی ناتو در سند مفهوم راهبردی نوین بوده است. طبق برآوردهای فعلی، ۸۱.۸۹ درصد از ذخایر اثبات شده در جهان در کشورهای عضو اوپک قرار دارد و اکثریت ذخایر نفت اوپک در خاورمیانه به میزان ۶۵.۳۶ درصد از کل اوپک است.^۱

طبق آمار ۲۲ درصد نفت خام مورد نیاز آمریکا در سال ۲۰۱۱ از کشورهای منطقه خلیج فارس تأمین شده است. بر اساس پیش‌بینی‌ها تا سال ۲۰۳۰ بیش از ۱۵ درصد نفت خام آمریکای شمالی از کشورهای منطقه خاورمیانه تأمین خواهد شد. همچنین مصرف نفت در کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه (OECD) در سال ۲۰۱۶، ۹٪ نسبت به سال گذشته افزایش یافت. مقایسه آمار تولید و مصرف این گروه نشان می‌دهد که حدود ۵۰ درصد از مصرف آنها در سال ۲۰۱۶ از طریق واردات تأمین شده است.^۲

بر پایه گزارش گروه پژوهشی مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی در واشنگتن، نیاز اعضای ناتو به انرژی خلیج فارس از ۵۰ درصد کنونی به ۸۰ درصد در ۲۰۳۵ خواهد رسید. همچنین خطوط انتقال انرژی نیز از مناطقی چون مدیترانه، خلیج فارس تا خاور آسیا می‌گذرد که ناتو خواهان حضور در آن مناطق است. در این پهنه عربستان، عراق و پاکستان می‌توانند نقش منطقه‌ای بویژه در زمینه تولید و انتقال انرژی برای اعضای ناتو بازی کنند (CSIS, 2006: 11-2). امنیت انرژی به‌طور مستقیم به امنیت ناتو گره خورده است.

اگرچه قبل از شوک‌های نفتی دهه ۱۹۷۰ تضمین دسترسی به نفت یک اصل در سیاست اعلامی آمریکا بود، ولی برای اولین بار در اواخر دهه ۱۹۷۰ آمریکا از مداخله آشکار نظامی برای جلوگیری از سلطه هر قدرت دیگر برای منابع انرژی منطقه خلیج فارس سخن به میان می‌آورد که بر اساس رهنامه کارتر در ژانویه ۱۹۸۰ هر تلاشی توسط هر قدرت خارجی (اتحاد جماهیر شوروی) برای تسلط بر منابع نفتی منطقه خلیج فارس انجام گیرد، به منزله تهدید منافع حیاتی آمریکاست و این کشور از هر ابزار ممکن از جمله ابزار نظامی استفاده خواهد کرد (Keukeleire & Others, 2009: 62 - 63). امری مورد تأکید رویکرد نوین امنیتی ناتو در سند لیسبون ۲۰۱۰ نیز بوده است. دلیل اصلی اهمیت تمامی موارد فوق را برای ناتو

1. www.opec.org/opec, Annual Statistical Bulletin 2018

2. www.bp.com/ BP Statistical Review of World Energy 2017

می توان اینگونه بیان نمود که هر چند بیشترین نرخ رشد تقاضای گاز طبیعی در کشورهای رو به توسعه در آسیا بویژه چین، هند و خاورمیانه خواهد بود و بیشترین افزایش حجم مصرف گاز طبیعی نیز در خاورمیانه رخ خواهد داد اما با وجود این در سال ۲۰۳۰، کشورهای عضو ناتو باز هم بزرگترین مصرف کنندگان گاز طبیعی جهان به شمار خواهند رفت (بهروزی فر و کوبی، ۱۳۸۹: ۲۳۳).

با توجه به روند تولید و سطح قابل برداشت از منابع نفت نامتعارف^۱ در آمریکا، طبق پیش‌بینی‌های انجام شده تولید نفت ایالات متحده تا سال ۲۰۴۰ به ۶ میلیون بشکه در روز افزایش خواهد یافت و این کشور ۳۴ درصد از نفت مورد نیاز خود را وارد خواهد کرد. هرچند به دلیل افزایش تولید، واردات نفت خام این کشور کاهش خواهد یافت اما این افزایش به اندازه‌ای نخواهد بود که سبب قطع وابستگی این کشور به نفت سایر مناطق جهان به‌ویژه منطقه خاورمیانه گردد. از سوی دیگر وابستگی آمریکا به نفت خام خاورمیانه تنها به دلیل افزایش مصرف نفت نسبت به تولید آن در آمریکا نیست؛ بلکه کیفیت و ویژگی‌های نفت خام فشرده سبک^۲ خاورمیانه به‌گونه‌ای است که برای ترکیب با نفت خام حاصل از منابع نامتعارف آمریکا به منظور استفاده در پالایشگاه‌های این کشور مناسب می‌باشد و حتی در صورت افزایش تولیدات میدین نامتعارف نفت و استفاده از تولیدات این گونه منابع به‌عنوان خوراک پالایشگاه‌ها، به دلیل ویژگی‌های این تولیدات، ایالات متحده ناچار به واردات نفت خام به منظور ترکیب با نفت خام حاصل از منابع نامتعارف خواهد بود. بنابراین به نظر نمی‌رسد تا پیش از سال ۲۰۳۰ واردات نفت خام آمریکا از خاورمیانه قطع گردد.^۳

بیشترین سهم تجارت نفت خام در اختیار کشورهای منطقه خاورمیانه است. از سوی دیگر مصرف انرژی در بازارهای شرق آسیا بویژه چین و هند در حال افزایش می‌باشد. این موارد دلایل تداوم حضور آمریکا در منطقه خاورمیانه، حتی در صورت بی‌نیازی این کشور از نفت کشورهای این منطقه است. به گفته مدیر عامل شرکت رویال داچ شل به‌سختی می‌توان سناریویی متصور شد که ایالات متحده از منافع خود در خاورمیانه صرف نظر کند.^۴

1. Shale Oil
2. Light Tight Crude
3. www.eia.gov/todayinenergy/detail.cfm
4. Benigni, Johannes, JBC Energy, Dec 2012

افزایش نقش منطقه‌ای ایران

بروز برخی تحولات منطقه‌ای مانند بحران افغانستان، عراق، لبنان، سوریه و یمن، تثبیت نقش عنصر شیعی در ساخت قدرت و سیاست منطقه‌ای (Worth & Bakri: 2008) و پیگیری برنامه هسته‌ای ایران، توانایی نقش‌سازی ایران را در مسائل سیاسی - امنیتی خاورمیانه افزایش داده و این مسئله توازن نسبی قوا را در منطقه، به زیان منافع آمریکا و هم‌پیمانان منطقه‌ای آن مانند اعراب محافظه‌کار و رژیم صهیونیستی به خطر انداخته است. چنین برداشتی، افزایش نقش منطقه‌ای ایران را گسترش طلبانه، فرصت‌طلبانه و غیرسازنده در نظر می‌گیرد که سعی دارد خلأ قدرت ایجاد شده در منطقه را در پی حوادث یازده سپتامبر و بحران عراق و سوریه پرکند.

الف - دیدگاه‌های غربی

دیدگاه‌های غربی مبنای پیدایش افزایش نقش منطقه‌ای را می‌پذیرند، اما راه‌های متفاوتی را در برخورد با آن ارائه می‌دهند. برخی دیدگاه‌ها افزایش نقش ایران را در منطقه، به زیان منافع و امنیت ملی آمریکا و هم‌پیمانان منطقه‌ای آن می‌دانند که از هر راه ممکن، از جمله استفاده از زور و قدرت باید از آن جلوگیری شود. راهبرد اصلی این دیدگاه‌ها همانند سیاست خارجی آمریکا در دوران جنگ سرد بر اساس «مهار»^۱ و «تقابل»^۲ است (Rubin: 2007). برخی از دیدگاه‌های افراطی‌تر، حتی ایران را «دشمن جنگ سرد جدید» آمریکا در خاورمیانه تعریف می‌کنند (Friedman: 2008).

دیدگاه‌های میانه‌روتری هم وجود دارد که افزایش نقش منطقه‌ای ایران را ناشی از یک‌سری تحولات جدید ژئوپلتیک منطقه می‌داند که این موضوع به‌زیان آمریکا است، اما در عین حال برخورد با آن را بیشتر از راه گفت‌وگو، مهار و پذیرش نقش جدید منطقه‌ای ایران میسر می‌دانند (Kissinger: 2006, & Brzezinski: 2006, & Porter: 2007).

گری سیک از طرفداران پذیرش نقش منطقه‌ای و گفت‌وگو با ایران، ضمن پذیرش این کشور در نقش بازیگر و قدرت منطقه‌ای، بر این باور است که سیاست‌های آمریکا در سرنگونی دشمنان ایران در شرق و غرب آن، انرژی امنیتی سیاسی این کشور را رها کرده و

1. Containment
2. Confrontation

این امر، توازن سنتی قوا را در منطقه به سود ایران و به زیان هم‌پیمانان سنتی آمریکا در جهان عرب و اسرائیل به هم زده است. او از «راهبردی در حال پیدایش» سخن می‌گوید که در آن، اتحادی غیر رسمی در برابر ایران بین ایالات متحده، رژیم صهیونیستی و دولت‌های سنی عرب منطقه در حال شکل‌گیری است. انگیزه ایجاد این اتحاد نیز جلوگیری از افزایش میزان تأثیرگذاری ایران در مسائل امنیتی مربوط به جهان عرب، از جمله عراق، تحولات لبنان بعد از جنگ تابستان ۲۰۰۶ بین حزب‌الله و اسرائیل است (Sick: 2007).

بسیاری از تحلیل‌گران آمریکایی حتی اجلاس «آناپولیس» را در مورد صلح اعراب و اسرائیل، گردهمایی ناشی از ترس از ایران در حال ظهور می‌دانند (Bruno: 2007).

ب- دیدگاه‌های نخبگان سنی در جهان عرب

نگرانی از بیشتر شدن نقش ایران در جهان عرب از دو جهت مطرح است: نخست، خلأ قدرت در عراق و برهم خوردن توازن سنتی قوا در منطقه؛ دوم، ظهور «هلال شیعی». در درجه اول ابزار اصلی ایران در افزایش نقش منطقه‌ای، گروه‌های شیعی طرف‌دار در منطقه به خصوص در عراق و لبنان‌اند (Nawar: 2007).

در درجه دوم، احتمال شکل‌گیری هلال شیعی در منطقه برای نخبگان سنی جهان عرب بسیار نگران‌کننده است. این نگرانی برای اولین بار از سوی عبدالله دوم، شاه اردن، در سال ۲۰۰۴ مطرح شد و سایر رهبران عرب آن را دنبال کردند. از نظر آنان این نگرانی سه جنبه دارد: نخست، ماهیت ایدئولوژیک دارد (Wright & Baker: 2004)؛ دوم، مبتنی بر بسیج توده‌های شیعی جهان عرب و وفاداری آنها به ایران است و سوم، بر پایه بهره‌برداری فرصت‌طلبانه و گسترش خواهانه ایران از ظرفیت‌های جهان عرب با هدف افزایش نقش خود است (Edward Gnehem: 2006).

پ- مؤلفه‌های ژئوپلیتیک، انرژی، ایدئولوژی و فناوری هسته‌ای

در ژئوپلیتیک انرژی جهان، ایران از دو جهت در کانون توجه و مرکز تعاملات بین‌المللی قرار دارد:

* موقعیت ژئوپلیتیک؛ ایران به دلیل واقع شدن در کانون هارتلند انرژی جهان، از جایگاهی

ممتاز برخوردار است؛ چرا که افزایش سهم ایران در تولید، تجارت و ترانزیت انرژی در پرتو دیپلماسی لوله‌های انرژی، ضمن آنکه بستر مناسبی را برای توسعه و همگرایی منطقه‌ای این کشور فراهم خواهد کرد، پیوند میان اقتصاد جهان با اقتصاد ایران را نیز در این بخش ایجاد می‌کند و در پی خود شرایط مساعدی را نیز برای حرکت در مسیر توسعه و ارتقای سطوح امنیت و قدرت ملی کشور فراهم می‌آورد (صادقی، ۱۳۹۴: ۴۹).

* موقعیت ایران از لحاظ مسیرهای انتقال انرژی و نقش حیاتی در امنیت جهانی انرژی به‌عنوان یکی از اعضای اوپک؛ بنابر پیش‌بینی سازمان اطلاعات انرژی امریکا، ایران قادر است نرخ تولید گاز طبیعی قابل عرضه در بازار را از ۵۰۰ میلیون متر مکعب در روز در سال ۲۰۱۵ به هزار میلیون متر مکعب در روز در سال ۲۰۴۰ برساند (Stanford Iran 2040 Project, 2017: 8). از این نظر، نفت ایران با ۱۵۷ میلیارد بشکه ذخایر شناخته شده نفت ۱۳ درصد از کل ذخایر اثبات شده جهان را دارد که پس از ونزوئلا، عربستان سعودی و کانادا، جایگاه دوم در کشورهای عضو اوپک و چهارم جهان را به خود اختصاص دهد (OPEC, 2016).

* در کنار عامل ژئوپلیتیک و منابع انرژی، عامل بسیار مهم دیگری نیز وجود دارد که شاید بتوان آن‌را عامل اصلی در تضاد منافع ایران با غرب و به‌خصوص ناتو دانست که به‌نوعی توان به حاشیه راندن عوامل ژئوپلیتیک و انرژی را دارد. سیاست‌های منطقه‌ای ایران همواره تحت تاثیر دو عنصر مهم، یعنی واقعیت‌های جغرافیای سیاسی و ایدئولوژی بوده و این عناصر، سیاست خارجی ایران را به‌صورت عمل‌گرایانه و ایدئولوژیک هدایت کرده‌اند. اگرچه شکی وجود ندارد که این عوامل با درجاتی متفاوت در سیاست خارجی ایران هم‌چنان استوار باقی خواهند ماند (قالیباف و قدسی، ۱۳۹۱: ۱۶).

آنچه که سبب برجستگی ایدئولوژی انقلاب اسلامی و اهمیت مطالعه و توجه مضاعف به آن می‌شود، «معنویت سیاسی» حاکم بر گفتمان آن است. فوکو اصطلاح معنویت سیاسی^۱ را برای ایران تعریف و این‌گونه می‌گوید: «اراده‌ای معطوف به خلق تفکیک جدید میان حق و باطل از طریق روش جدیدی در حکمرانی بر خود و دیگران.» معنویت سیاسی نه‌تنها در دنیای متجدد تمنایی نداشته است بلکه ایده‌ای برآمده از جهان سنت بوده و در نهایت چالشی از سوی سنت است. نگاه ما در اینجا به مفهوم سنت و تجدد، نگاهی ذات‌گرایانه است که در آن،

محور سنت را دین دانسته و تجدد را در مقابل «خدامحوری» واجد انگاره‌ای دیگر که «انسان‌محوری» است، در نظر می‌گیریم. اگر یک ایدئولوژی یافت شود که ریشه در معرفت دینی داشته باشد و اگر مفهوم معنویت سیاسی را مفهومی محصور در دین بدانیم و دین را نیز محور سنت و در تضاد با هسته انسان‌محور دنیای متجدد، در نهایت باید پذیرفت که ایدئولوژی مذکور چالشی است برای دنیای متجدد (هاشمی‌مدنی، ۱۳۸۷: ۶).

«ایدئولوژی انقلابی» مجموعه‌ای کم‌وبیش هماهنگ سیاسی، اقتصادی و ارزش‌های اجتماعی اعتقادات که مردم را به اقدام ترغیب می‌کند و ضروریات، اولویت‌ها و ایده‌های مرتبط با مسائل اجتماعی و ارتباطات اجتماعی را به‌منظور به‌وجود آوردن یک تغییر اساسی از ساختار در دوره کوتاهی از زمان به‌سطوحی از اقدام تغییر می‌دهد. چنانچه گفتمان ایدئولوژی انقلاب اسلامی از دیگر گفتمان‌ها مشخص و متمایز شود، بایستی به گزاره‌های فرهنگ سیاسی نخبگان که بطور غالب مورد استفاده قرار گرفته است، اشاره شود. این گزاره‌های گفتمانی که بیشتر از سوی مراجع رسمی نظام جمهوری اسلامی ایران بهره‌برداری شده، نشانگر نوعی رویکرد ویژه نسبت به هویت ملی می‌باشد. برخی از مهم‌ترین گزاره‌های گفتمانی مقطع تحت بررسی عبارتند از: گزاره گفتمانی خیر و شر و بد و خوب، رمزگان دفاع از مظلومان جهان، رمزگان امر به معروف و نهی از منکر، رمزگان ساده‌زیستی و بی‌اعتنایی به تشریفات، شهادت‌طلبی و بالاخره سنت اسلامی که البته در دوره بعد از انقلاب به دلیل شکل خاص حاکمیت همواره تلاش گردیده تا رمزگان‌های مذهبی تقویت شده و بیشتر نمود پیدا کند (نقیب‌زاده، ۱۳۸۰: ۱۸-۱۱).

نگاه مسلط در غرب به خصوص ایالات متحده، علت اصلی کوشش ایران را برای افزایش نقش خود، افزایش «قدرت نسبی» در خاورمیانه می‌داند. این نگاه اهداف و راهبردهای ایران را تهاجمی، گسترش خواهانه، فرصت طلبانه و گاهی ایدئولوژیک می‌داند. در تبیین اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با توجه به نقش آن در تحولات منطقه به خصوص در کشورهای یمن، سوریه، عراق و لبنان، به نظر می‌رسد ایران به دنبال افزایش قدرت خود در منطقه و اثبات خود به‌عنوان قدرت منطقه‌ای است. این فرضیه در چارچوب اهداف و افق سال ۱۴۰۴ نیز بیان گردیده که ایران باید در خاورمیانه قدرت اول و تبدیل به یک قدرت منطقه‌ای

گردد.

* در مقدمه سند لیسبون ۲۰۱۰ آمده است: «هدف ناتو، ایجاد شرایط برای یک جهان بدون گسترش سلاح‌های هسته‌ای است». همچنین در ماده ۹ این سند نیز آمده است: «گسترش سلاح‌های هسته‌ای و دیگر تسلیحات کشتار جمعی و وسایل حمل آن‌ها، خبر از پیامدهای نامعلوم برای ثبات و رفاه جهانی می‌دهد. در طول دهه آینده، گسترش سلاح‌های هسته‌ای در برخی از بی‌ثبات‌ترین نقاط جهان، بسیار حاد خواهد شد» این دو مورد گوشه‌ای از تأکیدات موکد مفهوم نوین امنیتی ناتو در پیرامون تسلیحات هسته‌ای در دهه پیش‌رو است. عامل اساسی که کشورهای شمال را در اعمال فشار بر جنوب جهت جلوگیری از دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای بیش از پیش حساس می‌کند، عامل بازدارندگی آن در بلندمدت است. اگر چنین شود، منزلت هژمونیک غرب از بین خواهد رفت، در چنین وضعیتی غرب نیز به‌عنوان یک مجموعه هم‌ردیف از بازیگران جهانی در خواهد آمد و نه مجموعه مسلط در آن (سیف‌زاده، ۱۳۸۳: ۳۰۲).

از دیگر دلایل مخالفت آمریکا با برنامه هسته‌ای ایران را باید در سیاست کلی کنترل تسلیحاتی آن جستجو کرد. درحالت کلی آمریکا مخالف اشاعه سلاح‌های هسته‌ای در دنیاست و در این مورد دست‌کم در مراحل اولیه تفاوت چندانی بین دولت‌ها نیست، پیامد تحولات بعد از جنگ سرد بر سیاست کنترل تسلیحاتی آمریکا گذر از سیاست منع اشاعه به سیاست ضد‌اشاعه است. ترس از ظهور ایران به‌عنوان یک هژمون منطقه‌ای، آخرین عامل مؤثر بر نگرش امنیتی آمریکا نسبت به برنامه هسته‌ای ایران است. بر اساس نظریه ثبات هژمونیک، امکان حضور هژمون‌های منطقه‌ای که قدرت هژمون جهانی را به چالش بکشند، وجود ندارد لذا آمریکا تلاش کرده است تا مانع تبدیل شدن ایران به یک کشور قدرتمند در خاورمیانه شود (قهرمان‌پور، ۱۳۸۷: ۲۷).

یکی دیگر از دلایل مخالفت با برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران این است که برنامه هسته‌ای ایران، مشوقی برای سایر کشورهای منطقه خاورمیانه برای دسترسی به توانایی هسته‌ای است (Weitz, 2010: 2). در این‌باره گفتنی است که گسترش حضور نظامی ناتو در منطقه، گفتگوی امنیتی با همسایگان ایران بویژه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، تعهد

به آموزش نظامی نیروهای این کشورها و تبادل اطلاعات در مورد ایران نیز از جمله نقش‌های احتمالی ناتو در برخورد با مسأله هسته‌ای ایران در نظر گرفته شده است (Ross, 2008: 43). چنان‌که توضیح آن رفت هدف اصلی ناتو از طرح موضوع هسته‌ای در قبال ایران، تنها امنیتی کردن ایران برای بسترسازی جهت اقدامات آینده است و در نتیجه تا تضاد گفتمانی میان دو طرف رو به بهبود نرود، بعید به نظر می‌رسد در پرونده هسته‌ای ایران، پیشرفتی برای دستگاه دیپلماسی ایران حاصل شود.

برخی از تحلیلگران بر این باورند که برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) در میان مدت مانع فعالیت هسته‌ای توسط تهران می‌شود و در درازمدت ایران به بمب هسته‌ای خواهد رسید و رژیم منع گسترش به شدت آسیب خواهد دید. این امر به گسترش فعالیت‌های هسته‌ای در خاورمیانه و حتی در منطقه مرکز و شرق اروپا کمک خواهد کرد و اینجاست که بار دیگر سپر دفاع موشکی در لهستان و رومانی برای امنیت ناتو مشخص خواهد شد. ایالات متحده آمریکا بایستی به تقویت سپر موشکی در منطقه کمک نماید. واشنگتن به خاطر بی‌توجهی به نگرانی‌های ریاض و تل‌آویو و نظاره‌گر بودن حمایت روسیه از منافع ایران، عملاً وحدت ناتو را به خطر انداخته است.^۱

مفهوم نوین راهبردی ناتو

دودستگی عمیق به وجود آمده پس از اشغال عراق بین آمریکا و انگلستان از یک سو و فرانسه و آلمان از سوی دیگر؛ وجود دیدگاه‌های متفاوت درباره پدیده تروریسم (به این صورت که اروپا تروریسم را بیشتر یک مسأله اطلاعاتی، قضایی و پلیسی می‌دانست تا این که یک مسأله حاد امنیتی و نظامی که آمریکایی‌ها به آن اعتقاد داشتند)؛ جنگ روسیه - گرجستان در سال ۲۰۰۸؛ روند تحولات داخلی کشورهای عضو و پیامدهای آن برای ناتو و تغییرات احتمالی آنها در آینده، به بحث‌های جدی در زمینه آینده ناتو دامن زده است. این عوامل ضرورت گردهمایی میان اعضای سازمان برای رسیدن به یک دستور کار مشترک با هدف ادامه حیات سازمان را در نظام جدید جهانی ایجاب کرد؛ مفهومی که شامگاه جمعه ۱۹ نوامبر ۲۰۱۰، توسط رهبران ۲۸ کشور عضو ناتو در شهر لیسبون پرتغال در قالب طرح کلی دفاع

1. www.atlantic-community.org, Brian Magierowski, Klaudiusz 2015

همه‌جانبه در برابر تهدیدات مدرن تصویب شد. مشارکت فعال و دفاع مدرن، فلسفه مفهوم نوین راهبردی ناتو می‌باشد. در سند جدید که متشکل از ۳۸ ماده است، هم‌چنان بر ماده ۵ یا اصل حمله به یکی از اعضای پیمان به معنای حمله به تمامی اعضا خواهد بود، تأکید کرده است. در این سند تأکید شده است که در خصوص سیستم دفاع موشکی، راه‌های همکاری با دیگر کشورها و در رأس آنها روسیه مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در مفهوم نوین راهبردی، ناتو ضمن پذیرش خلع سلاح، اعلام کرده که تا ادامه موجودیت تسلیحات هسته‌ای، به‌عنوان یک پیمان هسته‌ای باقی خواهد ماند. ناتو در چهارچوب مفهوم جدید اعلام کرده که نه تنها مجموعه راهبردها و تدابیر امنیتی قبلی خود را زمین نمی‌گذارد، بلکه نیاز به همکاری بیش‌تر حتی با کشورهای غیر عضو در این سازمان برای مقابله با تهدیدهای جدید در پیش می‌گیرد (NATO new Strategic Concept, 2010: 3-6).

یکی از مهم‌ترین کشورهای غیرعضو ناتو که این سازمان درصدد همکاری‌های گسترده امنیتی و اطلاعاتی با آن می‌باشد، روسیه است. در این میان ناتو با استفاده از همین راهبرد همکاری توانست، کشوری چون روسیه را که زمانی جزء تهدیدهای بالقوه برای فعالیت و عملکرد ناتو محسوب می‌شد، در زیر پوشش امنیتی خود قرار دهد و این کشور را در فعالیت‌های خود درگیر کند. بدین ترتیب، چنانچه روابط ناتو و روسیه بهبود پیدا کند، ایران بیش‌ازپیش در حاشیه قرار گرفته و توان و انرژی ناتو از این پس فقط در مورد ایران صرف می‌شود، چیزی که خطرات بسیار زیاد امنیتی برای ایران خواهد داشت. نگارندگان بر روی دو موضوع؛ مسأله خروج نیروهای آمریکا از افغانستان و استقرار سپر دفاع موشکی تمرکز می‌نمایند و درصدد بررسی تصمیمات اعضای ناتو در این زمینه و تأثیر آن بر روی امنیت و سیاست ایران می‌باشند (Jakob Moller, 2011: 56).

داکترین نظامی جدید ناتو که بر اساس مفهوم نوین راهبردی به تصویب سران این سازمان رسیده، باعنوان سند MC/400/2 معرفی شده و سه نقش اساسی را برای ناتو تعریف کرده است: ۱- دفاع مشروع متقابل؛ ۲- پاسداری از صلح در بیرون قلمروی ناتو و ۳- همکاری میان ناتو و شرکای آن در زمان صلح. همکاری در زمان صلح حیظه وسیعی از موضوعات سیاسی و نظامی را از مذاکرات کنترل تسلیحات کشتار جمعی و بازدارندگی در مقابل سلاح‌های کشتار جمعی گرفته تا

رزمایش‌های نظامی و دیگر فعالیت‌های مشترک با ۲۸ کشور شرق اروپا و حوزه مدیترانه شامل می‌شود. دکتترین جدید همچنین خواستار حفاظت در مقابل تهدیدها از هر جهت شده و این‌که ناتو چگونه باید عملیات چندملیتی خارج از قلمروی اعضای خود را که با همکاری کشورهای غیرعضو انجام می‌شود، اداره کند. بر این اساس محور اساسی و داکترین نظامی جدید ناتو یعنی، «همکاری برای مبارزه با تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی»، مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. این ابتکار خواستار ایجاد یک مرکز کنترل سلاح‌های کشتار جمعی در مقر ناتو در بروکسل شد که مسئولیت هماهنگی تلاش‌های ناتو برای جلوگیری دستیابی طرف‌های ناباب به سلاح‌های هسته‌ای، شیمیایی و میکروبی را به عهده خواهد گرفت. بر اساس این تعریف، در واقع ناتو بازوی اجرایی و نظامی پیمان CTBT، معاهده NPT و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای نابودی سلاح‌های کشتار جمعی و جلوگیری از گسترش آن محسوب خواهد شد.

ناتو به چند شرط می‌تواند ماموریت‌هایی را خارج از اروپا و آمریکا انجام دهد و با بحران‌های منطقه‌ای و خطرهای تهدیدهای احتمالی به مقابله برخیزد: ۱- بحران‌ها و کشمکش‌های منطقه‌ای و خطر ناشی از گسترش سلاح‌های کشتار جمعی، انجام فعالیت‌های تروریستی، قطع صدور نفت و نظایر آن تهدیدی مستقیم علیه ناتو باشد؛ ۲) درباره اقدام نظامی یا ماموریت و نقش تازه‌ای که ناتو می‌تواند و مجاز است در هر نقطه از جهان ایفا کند باید میان آمریکا و دیگر کشورهای اروپایی عضو پیمان توافق حاصل شود و ۳- شورای امنیت به دلایلی نتواند با بحران‌ها و کشمکش‌های منطقه‌ای گسترده و جدی به مقابله برخیزد و به عبارت دیگر، ناتو برای انجام مداخلات خارج از منطقه جغرافیایی خود نیازی به اجازه از شورای امنیت ندارد (جام جم آن لاین: ۸۵/۶/۲).

راهبردهای ناتو در قبال جمهوری اسلامی ایران

مجمع پارلمانی ناتو^۱ در دو اجلاس بهاره و سالانه خود، ابتکارات نهایی شده در کمیسیون‌ها را در چارچوب توصیه‌ها^۲، قطعنامه‌ها^۳ و گزارش‌ها^۴ تصویب می‌نماید. دبیرکل

1. The NATO Parliamentary Assembly
2. Recommendations
3. Resolutions
4. Reports

ناتو پس از مشورت با شورای آتلانتیک شمالی^۱ این مصوبات را به نحو مقتضی مورد توجه قرار می‌دهد.^۲ به‌طور عمده از زمان حضور نیروهای این سازمان در افغانستان؛ مسائل و نقش جمهوری اسلامی ایران در منطقه را مورد توجه قرار داده است. این مجمع علاوه بر اشاره به ایران در گزارش‌های مختلف موضوعی و تحولات منطقه؛ تاکنون چند گزارش اختصاصی در مورد ایران تصویب نموده است.

دو گزارش در سال ۲۰۰۶ با عنوان «ایران: چالشی برای همکاری‌های فرا آتلانتیکی» و «سیاست هسته‌ای ایران» منتشر شده است. سومین گزارش توسط مایک روس^۳ عضو آمریکایی مجمع با عنوان «ایران: موردی برای مداخله سیاسی ناتو» در اجلاس سالانه این سازمان (والنسیا - نوامبر ۲۰۰۸) مورد تصویب قرار گرفت. این گزارش در هفت بخش وضعیت موجود، چالش‌های ایجاد شده از ناحیه ایران، سناریوهای تعامل یا تقابل با ایران و جایگاه ناتو و سایر بازیگران عمده در این راستا را مورد ارزیابی قرار داده است. این گزارش با رویکردی متداول در غرب، سیاست‌های ایران در برخی از حوزه‌ها مانند حمایت ایران از جریان مقاومت در منطقه، توسعه روزافزون توان موشکی و بویژه برنامه هسته‌ای ایران را موجب بی‌ثباتی در منطقه و نگرانی جدی جامعه بین‌المللی در مورد اهداف سیاست خارجی آن معرفی می‌کند. بر این اساس ایران چالش بزرگ جامعه بین‌الملل معرفی می‌شود که مقابله با آن اجتناب‌ناپذیر می‌نماید لذا دو گزینه بمباران هدفمند و تحریم مورد بررسی قرار گرفته است. گزینه بمباران هدفمند به‌عنوان یکی از راه‌های مقابله با ایران بر اساس استدلال‌های متداول مردود تلقی می‌شود. بر این اساس مایک روس گزینه تحریم را توصیه و تأکید می‌کند. اعمال تحریم‌ها باید تا پذیرش راه‌حل مبتنی بر مصالحه از سوی ایران ادامه یافته و تشدید شود. در این گزارش با تأکید بر اهمیت عامل همبستگی برای فشار به ایران؛ نقش کشورهای عرب و بویژه اعضای شورای همکاری خلیج فارس را در این راستا فوق‌العاده دانسته و تنش‌های تاریخی این کشورها با ایران (مانند جنگ هشت ساله رژیم صدام با جمهوری اسلامی ایران، اختلاف بر سر جزایر سه‌گانه در خلیج فارس، بحث شیعه - سنی و نگرانی‌های عرب‌های سنی در منطقه از این ناحیه) را ظرفیتی قابل بهره‌برداری می‌داند. گزارش تأکید می‌نماید چنانچه ایران پایبندی به تعهدات بین‌المللی خود

1. North Atlantic Council

2. WWW.NATO-PA.int

3. Mike Ross (نماینده وقت دموکرات از ایالت آرکانزاس در مجلس نمایندگان آمریکا)

نشان ندهد، ائتلاف و شرکای غربی باید در مورد چگونگی محاصره بهینه ایران با ابزارهای دیپلماتیک، اقتصادی و - حتی اگر لازم باشد - نظامی به اجماع برسند. نقش ناتو در چنین فرضی، حمایت از تردد کشتی‌ها در خلیج فارس در برابر اقدامات ایران، نظارت بر کشتی‌های تجاری به مقصد ایران برای تضمین اجرای مصوبات شورای امنیت و حمایت از تأسیسات انرژی همسایگان ایران خواهد بود. همچنین گفتگوی امنیتی با همسایگان ایران بویژه کشورهای شورای همکاری خلیج فارس از جمله مبادله مستمر اطلاعاتی - امنیتی در مورد ایران تعمیق پیدا کند. ناتو همچنین می‌تواند بخشی از امر آموزش نظامیان شرکایش در منطقه را به عهده گیرد. در نهایت ائتلاف می‌تواند ارائه یک تضمین امنیتی (محدود) به شرکای منطقه‌ای خود در خلیج فارس را مورد توجه قرار دهد. از طرف دیگر اگر ایران هسته‌ای، توان موشک‌های بالستیک خود را افزایش دهد ناتو می‌تواند نقش برجسته‌تری در دفاع موشکی به عهده گیرد. همکاری با روسیه هم می‌تواند مورد توجه باشد زیرا این کشور از منتقدان توسعه توان موشکی ایران است (زینب: ۱۳۸۸، ماهنامه رویدادها و تحلیل‌ها، شماره ۲۲۹).

بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند ناتو به دو لحاظ عمده یعنی «جهت‌گیری‌های داکترین نظامی جدید ناتو» و «نفوذ در حوزه‌های امنیتی ایران»، به مقابله با ایران می‌پردازد. مفهوم نوین راهبردی ناتو که در ارتباط با سیاست‌های دفاعی، امنیتی، مفاهیم عملیاتی، وضعیت نیروهای متعارف و هسته‌ای بر ترتیبات دفاع دسته‌جمعی محسوب می‌شود، از دو نظر عمده منافع ملی جمهوری اسلامی ایران را تحت تاثیر قرار می‌دهد:

الف - عوامل گسترش و ابزار حمل سلاح‌های کشتار جمعی در مفهوم جدید ناتو به‌عنوان یکی از منابع جدید تهدید اعلام شده است. از این‌رو ناتو تلاش می‌کند از چند طریق رایزنی‌های سیاسی و توسعه سیستم‌های دفاع موشکی با این تهدید مقابله کند. برای مثال، آزمایش موشک "شهاب ۳" ایران تهدیدی برای امنیت اروپا تلقی شده است. ناتو همچنین حق حفظ سلاح‌های هسته‌ای و راهبرد ضربه نخست هسته‌ای را به‌منظور بازدارندگی معتبر در مقابل این سلاح‌ها برای خود محفوظ داشته است؛ بنابراین نمی‌توان تلاش‌های این سازمان در خصوص مقابله با سلاح‌های کشتار جمعی را صرفاً اقدامی دفاعی تلقی کرد، زیرا ناتو نقشی برای خود به‌منظور مقابله با گسترش این سلاح‌ها قائل شده است. در این چارچوب، غرب

ایران را به تلاش مخفیانه برای دستیابی به سلاح هسته‌ای متهم کرده و به همین منظور تحریم‌های گسترده‌ای را به منظور ممانعت از دستیابی ایران به فناوری هسته‌ای اعمال کرده است.

ب- عملیات چندملیتی خارج از قلمروی اعضا در مفهوم راهبرد جدید حاکمیت؛ ناتو یک عضو فعال و برجسته در زمینه صلح و امنیت بین‌المللی و ترویج ارزش‌های دموکراتیک است و متعهد به حل مسالمت‌آمیز اختلافات می‌باشد. با این حال، اگر تلاش‌های دیپلماتیک شکست خورده باشد، ظرفیت نظامی برای انجام عملیات مدیریت بحران، به‌تنهایی یا با همکاری سایر کشورها و سازمان‌های بین‌المللی مقدور خواهد بود.^۱

ناتو برای انجام این‌گونه عملیات، کسب مجوز از شورای امنیت سازمان ملل را که تنها مرجع صلاحیت‌دار بین‌المللی در زمینه صلح و امنیت جهانی است، ضروری ندانسته و اجماع اعضای پیمان را کافی می‌داند. قائل نشدن محدودیت جغرافیایی برای این‌گونه عملیات باعث نگرانی کشورهای مستقل نظیر ایران می‌شود.

مساله قابل اشاره دیگر این‌که کشورهای حوزه ساحلی خزر تاکنون نتوانسته‌اند در مسائلی نظیر رژیم حقوقی دریای خزر، مسائل اقتصادی، امنیتی و غیره به نتایج قانع‌کننده‌ای برسند. از این‌رو تلاش برخی کشورهای حوزه خزر (نظیر آذربایجان) برای کشاندن کشورهای غربی و ناتو به این حوزه برای هرگونه میانجیگری و تامین امنیت و همگرایی این کشورها با ایران تهدید جدی تلقی خواهد شد. یکی از عمده‌ترین اهداف، سیاست «مهار» متوجه روابط ایران با جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز در ارتباط با انرژی بوده است. در واقع امریکایی‌ها با ابزار مختلف از جمله ناتو به دنبال عدم استفاده ایران از ظرفیت استراتژیکی خود بوده‌اند تا خطوط لوله انرژی از مسیر ایران عبور نکند و ایران در ایفای نقش منطقه‌ای خود ناتوان شود.

دولت‌های غربی از گذشته، منابع اقتصادی خود را در سایه قدرت نظامی تعقیب و تامین می‌کردند. در شرایط نوین بین‌المللی، با توجه به این‌که امکان حضور نظامی مستقیم قدرت‌های غربی در مناطق مختلف جهان با مشکلاتی مواجه شده است، ناتو جایگزین مناسبی برای تامین منافع غرب محسوب می‌شود. حضور شرکت‌های غربی در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز رو به گسترش است و ناتو بازوی امنیتی مناسبی برای حفاظت از این شرکت‌ها محسوب

1. www.nato.int, 25 Apr. 2019

می‌شود.

واقعیت آن است که سه حوزه راهبردی ایران یعنی خاورمیانه، قفقاز و آسیای مرکزی به‌طور جدی مورد توجه اعضای ناتو بویژه امریکا قرار گرفته است. توسعه هرچه بیشتر توان تسلیحاتی و دفاعی، ارتباط‌گیری با اعضای میانه‌روتر ناتو، تلاش برای همکاری بیشتر با اعضای شورای همکاری خلیج فارس، تلاش برای گفتمان‌سازی امنیتی در منطقه مبتنی بر امنیت دسته‌جمعی بدون حضور بازیگران فرامنطقه‌ای و... می‌تواند برخی از اقدامات ایران باشد. اما در این میان، بهره‌گیری از ظرفیت چین و روسیه به عنوان دو قدرت بزرگ که به دلیل رقابت با ایالات متحده آمریکا، سهم مهمی در نظام چندقطبی محتمل در آینده خواهند داشت، امری حائز اهمیت برای ایران است. با توجه به این واقعیت‌ها و همچنین تهدیدی که غرب از ناحیه ایران احساس می‌کند، به‌نظر نمی‌رسد که ایران و ناتو بتوانند به تعریفی حتی نسبی از منافع متقابل و تهدیدات مشترک دست یابند. غرب آنچه‌را اسلام‌گرایی افراطی می‌نامد تهدید عمده نامیده و از گروه‌های اصولگرا به عنوان تروریسم یاد می‌کند. حال این پرسش مطرح است که ناتو و ایران چگونه خواهند توانست به تعریف مشترکی از تهدیدات دست یابند؛ ضمن این که یکی از اهداف ناتو مهار ایران است و ایران نیز گسترش ناتو را تهدیدی برای امنیت ملی و منطقه‌ای خود می‌داند. به این نکته نیز باید توجه داشت علاوه بر این که اهداف و منافع ایران و ناتو در تعارض با یکدیگر است، عوامل بازدارنده دیگری نیز وجود دارند که مانع هرگونه تعامل میان ایران و ناتو می‌شوند.

هیچ‌یک از کشورهای منطقه اعم از اسرائیل، ترکیه، آذربایجان، پاکستان، کشورهای عربی منطقه، روسیه و احتمالاً درآینده افغانستان؛ نه تنها هیچ تمایلی به بهبود روابط ایران با غرب بویژه امریکا ندارند، بلکه منافع خود را در تنش و تعارض دائمی میان ایران و غرب جستجو می‌کنند. علاوه بر این، عده‌ای از صاحب‌نظران روابط بین‌الملل معتقدند امریکا درصدد است با گسترش نفوذ ناتو و تقویت جایگاه آن، از نیروهای ناتو به عنوان بازوی نظامی سازمان ملل متحد برای برقراری صلح و امنیت بین‌المللی یاد کند و ناتو در آینده جایگزین نیروهای حافظ صلح سازمان ملل متحد شود که این اهداف نیز با اهداف بین‌المللی و منافع منطقه‌ای ایران در تعارض است، بنابراین شکل‌گیری هر نوع تعامل میان ایران و ناتو دست کم

در آینده نزدیک غیرقابل تصور به نظر می‌رسد.

دانلد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا، که در ۸ می ۲۰۱۸ به صورت رسمی از برجام خارج شد، همواره مواضع خصمانه و تندی علیه ایران اتخاذ نموده است. به نظر می‌رسد ترامپ با گسترش تحریم‌های اقتصادی و سعی در بازگرداندن ایران ذیل فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد، سیستم سیاسی و اقتصادی ایران را به شدت ضعیف نمایند. ترامپ در نامه‌ای به «آنگلا مرکل» صدر اعظم آلمان از آنچه آلمان از تخصیص بودجه ناکافی به امور نظامی خوانده، انتقاد و برلین را به سوء استفاده از بودجه هنگفتی که آمریکا به ناتو اختصاص داده است متهم کرد. در پی انتشار جزئیات این نامه، برخی سیاستمداران آلمانی از اینکه آینده روابط آمریکا و اتحادیه اروپا در معرض خطر قرار گرفته باشد، ابراز نگرانی کرده‌اند. با این حال «ینتس استولتنبرگ» دبیر کل ناتو اظهار نموده که آمریکا همچنان به ناتو پایبند است و از زمان روی کار آمدن دولت جدید در آمریکا، بودجه نظامیان آمریکایی مستقر در اروپا ۴۰٪ افزایش داشته است.

با توجه به انتقادهای دانلد ترامپ در مورد تقسیم ناعادلانه هزینه‌های دفاعی میان کشورهای عضو ناتو، یکی از موضوعات بحث‌برانگیز نشست سال ۲۰۱۸ سران ناتو در بروکسل به این موضوع اختصاص یافت. دو تغییر ساختاری در ناتو به تصویب رسیده است: ایجاد یک فرماندهی در نورفولک ویرجینیا^۱ با تمرکز به امور دریایی ناتو و برپایی یک فرماندهی در آلمان با هدف رفع موانع بوروکراسی و لجستیکی برای نقل و انتقال سریع نیروها در سراسر اروپا.^۲ رقبای ناتو به سرعت توانایی‌های خود را در عرصه‌های فضا و هوش مصنوعی افزایش می‌دهند از این رو ناتو به آمریکا و چند کشور عضو دارای تجربه در این زمینه‌ها، نیاز دارد که تکنولوژی‌های جدید را در طرح‌ها و داکترین ناتو لحاظ کنند.

نتیجه‌گیری

مطالعه رویدادهای مربوط به سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) در چارچوب روند گسترش، یکی از بحث‌برانگیزترین مسائل مطالعات راهبردی در میان متفکران، کارشناسان و

1. Norfolk, Virginia
2. www.nato.int, 19 Dec. 2018

پژوهشگران روابط بین‌الملل در بیش از یک دهه گذشته بوده است. روند گسترش ناتو در چارچوب اهداف، کارکردها، ابتکارات و راهبردهای جدید ناتو و بسط حوزه عملیاتی ادامه دارد. بلوک غرب و در رأس آنها آمریکا با ارائه «داکترین نظم نوین» کارویژه جدیدی را برای ناتو تعریف کرده است. ناتو در شرایط نوین بین‌المللی با ارائه تعریف جدیدی از تهدیدات علیه اعضای خویش طیف وسیعی از موضوعات جهانی نظیر: تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی، اختلافات قومی و نژادی، تروریسم، مدیریت بحران‌های منطقه‌ای، مهاجرت، امنیت انرژی، جنگ‌های سایبری و... را به‌عنوان منابع جدید تهدید علیه منافع اعضا مورد شناسایی قرار داده و زمینه را برای ایفای نقش خویش در آن موارد نه‌تنها در دو سوی آتلانتیک بلکه در هر منطقه‌ای از جهان که منافع اعضای آن اقتضاء کند، فراهم ساخته است. ناتو در شرایط جدید برای اقدامات مداخله‌جویانه خویش، نه‌تنها خود را نیازمند کسب مجوز شورای امنیت ملل متحد که تنها مرجع صلاحیت‌دار بین‌المللی در زمینه صلح و امنیت جهانی است، ندانسته بلکه اقدامات خود را مجاز و مشروع اعلام می‌دارد. آنچه حرکت خزنده ناتو را با حساسیت بیشتری مطرح می‌کند، گسترش حوزه جغرافیایی و کارکردی ناتو و نزدیکی این سازمان با مرزهای جمهوری اسلامی ایران به‌طور عام و خلیج فارس به‌طور خاص است.

رویکرد امنیتی ناتو و گسترش حوزه جغرافیایی و عملیاتی این سازمان به‌رهبری آمریکا در قبال مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی، طی سال‌های اخیر به‌تدریج دچار تحولاتی شده که نمود و جهت‌گیری مشخص آن را می‌توان در تاریخی‌ترین اجلاس سران ناتو که در ۱۹ نوامبر ۲۰۱۰ در شهر لیسبون کشور پرتغال برگزار شد مشاهده کرد که نقطه عطفی در مأموریت‌ها، فعالیت‌ها و عملیات و حتی ماهیت وجودی ناتو در قرن ۲۱ بود. نگاه مسلط در غرب به خصوص ایالات متحده آمریکا، علت اصلی کوشش جمهوری اسلامی ایران را برای افزایش نقش خود، افزایش «قدرت نسبی» در منطقه خاورمیانه دانسته و اهداف و راهبردهای ایران را تهاجمی، گسترش خواهانه، فرصت طلبانه و گاهی ایدئولوژیک می‌داند.

برخی دیدگاه‌ها افزایش نقش ایران را در منطقه، به زیان منافع و امنیت ملی آمریکا و هم‌پیمانان منطقه‌ای آن می‌دانند که از هر راه ممکن، از جمله استفاده از زور و قدرت باید از آن جلوگیری شود. راهبرد اصلی این دیدگاه‌ها همانند سیاست خارجی آمریکا در دوران

جنگ سرد براساس «مهار» و «تقابل» است. برخی از دیدگاه‌های افراطی‌تر، حتی ایران را «دشمن جنگ سرد جدید» آمریکا در خاورمیانه تعریف می‌کنند. از سوی دیگر در جهان عرب، نگرانی از بیشتر شدن نقش ایران به‌خاطر خلأ قدرت در عراق و برهم خوردن توازن سنتی قوا در منطقه و ظهور «هلال شیعی»، مطرح است. از نظر آنان این نگرانی سه جنبه دارد: نخست، ماهیت ایدئولوژیک دارد؛ دوم، مبتنی بر بسیج توده‌های شیعی جهان عرب و وفاداری آنها به ایران است و سوم، برپایه بهره‌برداری فرصت‌طلبانه و گسترش خواهانه ایران از ظرفیت‌های جهان عرب، با هدف افزایش نقش خود است.

ایران برای کسب جایگاه اول قدرت منطقه با توجه به چشم‌انداز سند بیست‌ساله، نیازمند ملزومات کسب جایگاه و تدابیر پیش‌گیرنده از تهدیدات است به‌خصوص که به‌عنوان یک کشور مخالف آمریکا و رقیب فکری و حکومتی منطقه شناخته شده است. عوامل دیگری چون موقعیت ژئوپلیتیک ایران، موقعیت ایران از لحاظ مسیرهای انتقال انرژی و نقش حیاتی این کشور در امنیت جهانی انرژی، عوامل فرهنگی و اعتقادی، گفتمان ایدئولوژی انقلاب اسلامی و اصول سیاست خارجی ایران که شامل نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، استکبارزدایی، ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی، حمایت از مستضعفان و محرومان، حمایت و دفاع از حقوق مسلمانان جهان و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و صلح‌طلبی است، باعث نگاه ویژه غرب به ایران گردیده است. غرب به سرکردگی آمریکا با استفاده ابزاری از مفاهیم عنوان‌شده درصدد است با گسترش ناتو به شرق و تقویت جایگاه آن، از نیروهای ناتو به‌عنوان بازوی نظامی به اصطلاح بین‌المللی بهره‌برد. در واقع ناتو با ارائه تعریف جدید در تلاش است از صرف نیروی نظامی بودن به حافظ منافع اقتصادی غرب در جهان تبدیل شود. ناتو با بهانه‌هایی همچون؛ تروریسم و تسلیحات کشتار جمعی، انگیزه کشورهای حاشیه خلیج فارس، حفظ امنیت منابع انرژی منطقه خلیج فارس و با استفاده از «مفهوم نوین راهبردی» که به همکاری بیشتر حتی با کشورهای غیرعضو در این سازمان برای مقابله با تهدیدهای جدید مبادرت می‌ورزد، سعی در مقابله با جمهوری اسلامی ایران دارد.

محاصره فیزیکی ایران از طریق حضور ناتو در اکثریت مناطق پیرامونی ایران، تأثیرات منفی بر روی روابط ایران با اتحادیه اروپا، پررنگ شدن نقش و جایگاه برخی از کشورهای

همسایه ایران در سیاست خارجی اعضای عمده ناتو، مشارکت ناتو در ترتیبات امنیتی خلیج فارس، توان تأثیرگذاری و فشار بیشتر امریکا بر ایران از طریق مشروعیت اقدامات ناتو، تحت الشعاع قرارگرفتن روابط ایران با جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز در ارتباط با انرژی، تلاش کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس برای عضویت در ناتو یا داشتن نقش در اقدامات آن در منطقه از نمونه‌های اقدامات ناتو در مقابله با ایران است.

منابع

الف- فارسی

- (۹۷/۴/۲۱)، «بیانیه فرافکنانه ناتو درباره فعالیت‌های موشکی ایران»، سایت خبری افکار نیوز، شناسه خبر ۷۶۱۷۵۸.
- برژینسکی، زیگنیو، (۱۳۸۶)، انتخاب؛ سلطه یا رهبری، ترجمه امیرحسین نوروزی، تهران: نشر نی.
- بهروزی‌فر، مرتضی و کوکبی، سامیه، (۱۳۸۹)، «نقش استراتژیک ایران در امنیت عرضه انرژی به اروپا»، ماهنامه سیاسی اقتصادی، شماره‌های: ۲۷۱ و ۲۷۲.
- دولت‌یار، مصطفی، (۱۳۸۹)، «مدیریت امنیت پایدار در منطقه خلیج فارس - مشارکت ناتو: سازنده یا مخرب؟»، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۱.
- زینب، رضا، (۱۳۸۸)، «گزارش مجمع پارلمانی ناتو در مورد جمهوری اسلامی ایران»، ماهنامه رویدادها و تحلیل‌ها، شماره ۲۲۹.
- سلطان‌زاده، سجاد، (۱۳۸۶)، «گسترش روابط ناتو و کشورهای حاشیه خلیج فارس: زمینه‌ها و پیامدها»، ماهنامه اطلاعات راهبردی، سال پنجم.
- سیف‌زاده، سیدحسین، (۱۳۸۳)، اصول روابط بین‌الملل، تهران: نشر میزان.
- صادقی، سید شمس‌الدین، (۱۳۹۴)، چالش جهانی انرژی و موقعیت ژئواکونومیک ایران در ساختار نوین اقتصاد سیاسی بین‌الملل، چاپ اول، تهران: انتشارات الگوی پیشرفت.
- قالیباف، محمدباقر و قدسی، امیر، (۱۳۹۱)، «ژئوپلیتیک ایران در محاق ژئوپلیتیک شیعه (رویکردی انتقادی به نظریه ژئوپلیتیک شیعه)»، مجموعه مقالات همایش ژئوپلیتیک شیعه، تهران: انجمن ژئوپلیتیک ایران.
- قهرمانپور، رحمان، (۱۳۸۷)، رویکرد آمریکا به موضوع هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران؛ در رویکرد قدرت‌های بزرگ به موضوع هسته‌ای ایران، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- منوری، سیدعلی، (۱۳۸۴)، گسترش ناتو به شرق و تأثیر آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران، تهران: موسسه فرهنگی و مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.

- میرفخرایی، سیدحسن، (۱۳۹۵)، *روسیه و ناتو*، چاپ دوم، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- نقیب‌زاده، احمد، (۱۳۸۰)، *تاثیر فرهنگ ملی بر رفتار سیاسی ایرانیان*، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- هاشمی‌مدنی، سیدمرتضی، (۱۳۸۷)، «ایدئولوژی انقلاب اسلامی»، تهران: همایش ملی سی سال انقلاب اسلامی: دستاوردها، آسیب‌ها و فرصت‌ها.

ب- انگلیسی

- Antonenko, Oksana, (2010), "Russia in 2030: A More Attractive Partner for the EU?" in *Europe 2030*, The Brookings Institute Publication, Washington, D.C., 2010, pp. 99-120. JSTOR, www.jstor.org/stable/10.7864/j.ctt127wgb.11. Accessed 21 Apr. 2020.
- Benigni, Johannes, JBC Energy, <http://www.jbcenergy.com/> Dec 2012.
- Bruno, Greg (2007), "Elephants in the Conference Room," Council of Foreign Relations, November 29, 2007.
- Chiu, Daniel Y., (2003), "International Alliances in the Power Cycle Theory of State Behavior", International Politic Science Association, SAGE Publications (London, Thousand Oaks, CA and New Delhi Article Information, Volume: 24 issue: 1, page(s): 123-136, Issue published: January 1, 2003, <https://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/0192512103024001008>.
- Danilov, Dmitry, (2001), "The EU's Rapid Reaction Capabilities: A Russian Perspective", *IISS/CEPS European Security Forum*, <www.eusec.org/danilov.htm>, (accessed on: 15 October 2010).
- Friedman, Thomas L, (2008), *The New Cold War*, The New York Times, May 14, Cited in: <http://www.nytimes.com/2008/05/14/opinion/14friedman.html>.
- Gnhem, Edward, (2006), "Iraq: A View from the Neighborhood," February 23, 2006, Cited in: <http://www.gwu.edu/elliott/news/transcript/shapiro5.html>.
- Hyde-Price, Adrian, (2011), "NATO's Political Transformation and International Order", Copenhagen: DIIS Report.

- Jakobmoller, Karsten, (2012), "Russia and NATO after the Lisbon Summit: A Neweginning oonce again", Danish Institute for International Studies.
- Keukeleire, S. & Dobbins, & Jones, James Seth G.& Crane, Keith & Chivvis, Christopher S. & Radin, Andrew & Larrabee, F. Stephen & Bensahel, Nora & Brooke, K & Stearns & Benjamin W. Goldsmith, (2009), "Europe's Role in Nation-Building: From the Balkans to the Congo by (RAND Corporation, Pittsburgh, 2008)", *European Foreign Affairs Review*, Vol. 14, No. 4.
- Kissinger, Henry A, (2006), "The Next Steps with Iran," The Washington Post, July31, 2006, p. A15 and "a Nuclear Test for Diplomacy," The Washington Post, May 16, 2006, & Brzezinski, Zibigniew, (2006), "Been There, Done That," The Los Angeles Times, April 23, 2006, and "Do not Attack Iran," The Herald Tribune, April 2006, & Porter, Gareth, (2007), "War Against Iran and the Logic of Dominance," The Huffing Post, September 8, 2007, <https://www.henryakissinger.com/articles/the-next-steps-with-iran>.
- Knight, K, (2006), "Transformations of the Concept of ideology in the Twentieth Century". *American Political Science Review*, 100, 619 – 626, <https://www.cambridge.org/core/journals/american-political-science-review/article/transformations-of-the-concept-of-ideology-in-the-twentieth-century/7B4C27FC6D6D1238A62EF315EFE73364>.
- Lafraie, N, (1986), *Ideology of Revolution: A Normative Study of the Islamic Revolution in Iran*, Phd Dissertation, Howard University, USA.
- Nawar, Ibrahim, (2007), "Iran's Expanding Influence," November 2007, Cited in: <http://www.weekly.ahram.org.eg/print/2007/872/focus.htm>.
- Ross, Mike, (2008), "Iran-Making a Case for NATO's Political Engagement". Retrieved December 15, 2009, from NATO Parliamentary Assembly, available at: <http://www.nato-pa.int/default.asp>.
- Rubin, Michael, (2007), *Iranian Strategy in Iraq*, American Enterprise Institute, July 16, 2007.
- Sajedi, Amir, (2009), "Geopolitics of the PersianGulf Security: Iran and the United States", *IPRI Journal*, Vol. IX, No. 2, Summer.
- Sick, Gary G, (2007), "Alliance against Iran," An Interview with Gary Sick by Bernard Gwertzman, Council on Foreign Relations, January 23, 2007 Cited in: www.cfr.org/publication/12477/sick.html.

- Stanford Iran 2040 Project, (2017). "The Future of Iran's Oil and its Economic Implications," An Academic Platform for Research on Iran's Long-Term Sustainable Development, 8.
- Walt, Stephen M, (1987), *The Origins of Alliances*, Ithaca/New York. Press.
- Walt, Stephen M, (1997), "Way Alliances Endure or Collapse", *Journal Survival, Global Politics and Strategy*, Volume 39, 1997 - Issue 1, 156-179. <https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/00396339708442901>.
- Walt, Stephen M, (1985), "Alliance Formation and the Balance of World Power", *International Security*, Vol. 9, No.4.
- Weitz, Richard, (2010), "Nato Nonproliferation Challenge in the Obamaera", The Chicago Council on global affairs. October 25, 2010. Transatlantic Paper Series No. 4. https://www.thechicagocouncil.org/sites/default/files/Trans-Atlantic_Papers_4-Weitz.pdf.
- www.atlantic-community.org, Brian Magierowski, Klaudiusz, "Another Reset? The Iran Nuclear Deal and Its Consequences for NATO", July 28 2015.
- WWW.NATO.int (2017 - 2018).
- WWW.NATO.int, "NATO and Afghanistan/ NATO Summit Brussels"/12 July 2018.
- WWW.NATO.int, "NATO agrees 2019 civil and military budgets for further adaptation" 19 Dec. 2018.
- WWW.NATO.int, "Operations and missions: past and present", 25 Apr. 2019.
- WWW.NATO new strategic 2010.
- www.acus.org.
- www.bp.com/ BP statistical Review of World Energy 2017.
- www.eia.gov/todayinenergy/detail.cfm.
- www.OPEC Annual Statistical Bulletin 2016.

- www.opec.org, “OPEC Share of World Crude Oil Reserves” opec annual statistical bulletin 2018.

- www.thetimes.co.uk, “Qatar looks for new allies with request to join Nato”/ June 7 2018.

- Worth, Robert F and Bakri, Nada, (2008) “Deal for Lebanon Factions Leaves Hezbollah Stronger” The New York Times May 22, 2008.

- Wright, Robin and Baker, Peter, (2004), “Iraq, Jordan See Threat to Election from Iran, Leaders Warn Against Forming Religious State,” The Washington Post, December 8, 2004.